

جهان نما

نخست‌وزیر انگلیس خبر داد
ارائه بسته بهبود یافته
برای برگزیت

خدیجه علامه زاده

ترزای، نخست‌وزیر انگلیس گفت پیشنهاد بر جسته جدیدی برای ارائه به نمایندگان در قالب بسته بهبود یافته آماده کرده است تا بتواند لایحه توافق خروج از اتحادیه با نام برگزیت را پیش از آنکه دولت راترک کند، به تصویب برساند. پس از شکست سه‌باره در گرفتن تأیید پارلمان برای توافق خروج برگزیت، اکنون دولت لایحه، قوانینی را تصویب خواهد کرد که پیش‌نویس مجاس را برای رأی‌گیری در اوایل ماه ژوئن (اواسط خرداد)، آماده می‌کند. نخست‌وزیر بر روز یکشنبه (۲۹ اردیبهشت ماه) در روزنامه‌ساندی تایمز نوشت: نتیجه هر چه که باشد، من اینبار صرفاً به سوال کردن از نمایندگان بسنده نمی‌کنم. به جای آن از آن‌ها می‌خواهم نگاهی به توافق‌های بهبود یافته با دیدی تازه نگاه کنند. این روزنامه در ادامه نوشت که می‌احتمالاً از همکاران خود در کابینه برای تغییرات پیشنهادی برای توافق خروج برای بهبود حمایت احزاب کمک بگیرد. تقریباً سه سال از زمانی بریتانیا با تقابل ۵۲ به ۴۸ به خروج از اتحادیه در فراندوم همگانی رأی داد، هنوز مشخص نیست که این کشور چه زمانی قصد خروج دارد یا اصلاً می‌خواهد از باشگاه کشورهای اروپایی که در سال ۱۹۷۳ به آن پیوست خارج شود یا خیر. حالاً ضرب‌الاجل تعیین شده برای خروج ۳۱ ماه اکتبر (نهم آبان ماه) است. مذاکرات برگزیت بین حزب محافظه کار ترزای و حزب کارگری مخالف دولت، روز جمعه (۲۷ اردیبهشت ماه) چند ساعت پس از آنکه می‌زمان خروج خود از دولت را اوایل ماه ژوئن اواسط خرداد ماه، تعیین کرد: از هم فروپاشید. از سوی دیگر نیز کیراستارمر سخنگوی برگزیت حزب کار روز شنبه (۲۸ اردیبهشت ماه) گفت دولت باید قول بدهد که یک رأی‌گیری عمومی دیگر در مواجهه با لایحه توافق خروج برای برون‌رفت از بن‌بست برگزیت برگزار کند.

جهان نما

اردوغان مدعی شد:
تولید اس ۵۰۰ با روسیه،
پس از تحویل اس ۴۰۰

سینا سبزیان



رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در خصوص احتمال تولید مشترک سیستم موشکی ضد هوایی اس ۵۰۰ با روسیه پس از ارسال اس ۴۰۰ به ترکیه خبر داد.

طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه روز شنبه (۲۸ اردیبهشت ماه) گفت که خرید سیستم‌های دفاعی نظامی اس ۴۰۰ روسیه یک قرار داد تکمیل شده‌است و آنکارا به‌طور مشترک کسنامه سیستم‌های دفاعی اس ۵۰۰ با ایلماس کو تولید خواهد کرد.

رویترز خبر داد مقامات ایالات متحده خبریدر نامه دفاع موشکی اس ۴۰۰ از سوی ترکیه عمیقاً مسئله‌ساز خوانده‌اند و گفتند این مسئله می‌تواند مشارکت آنکارا در برنامه مشترک جنگنده‌های F-۳۵ را مختل کند چرا که منجر به مصالحه این جت‌های ساخته شده از سوی شرکت لاکهید مارتین می‌شود. با این حال اردوغان در یک برنامه پرسش و پاسخ تلویزیونی با حضور دانش‌جویان در استانبول گفت که ترکیه کارهای فنی را انجام داده و چنین مشکلی وجود ندارد.

اردوغان گفت: آن‌ها توپ را در میانه میدان به این طرف و آن طرف پاس می‌دهند و سعی می‌کنند خود را بی تفاوت نشان دهند. اما مدیر یا بازو، در جنگنده‌های F-۳۵F اتحویلی می‌گیریم. عدم ارسال این جنگنده‌ها از سوی ایالات متحده اصلاً جزء گزینیه‌های مطرحه نیست. وی در ادامه افزود که آمریکا به ترکیه پنج جنگنده F-۳۵F داده‌است و آموزش خلبانان ترک در آمریکا بر گزار می‌شود. هرگز ترکیه را بر اطفالیمان کرد که آمریکا تمامی وظایف خود را برای برنامه F-۳۵ در مقابل ترکیه انجام می‌دهد.

پیش‌تر ترکیه اعلام کرده بود که از طرح خرید ۴۰۰ فروتنوع‌نمی‌کند و اولین ارسال سیستم‌های موشکی ضد هوایی باید در ماه ژوئیه (تیر ماه) اسل جاری به کشور برسد. از سوی دیگر نیز آمریکا اعلام کرد که سیستم‌های اس ۴۰۰ با استانداردهای ناتو هماهنگ نیستند و نمی‌تواند با وجود این سیستم F-۳۵F های توافق شدم اتحویل دهد.

با القای ایده‌های دوران بوش برای تسخیر جهان

مشاوران ترامپ را به زیر می‌کشند



سید محمد میرزا محمد زاده

جان بولتون گفت: «رئیس‌جمهور موضع خود را کاملاً مشخص کرده است و در هفته‌ها و ماه‌های آتی شاهد آنچه خواهیم بود که باید باشیم.» این جمله البته برای این هفته نبود، بلکه در نوامبر ۲۰۰۲، زمانی که او معاون وزیر امور خارجه بود و نه مشاور امنیت ملی بیان شد؛ موضوع صحبت او نیز نه ایران بود و نه ونزوئلا یا کره شمالی، بلکه در مورد عراق حرف می‌زد.

سی‌ان‌ان در تحلیلی نوشت: ۱۷ سال و نیم بعد، دولت ترامپ همچنان با اشتباه فاحش جورج دبلیو بوش در براندازی صدام حسین سر و کله می‌زند؛ اما این سر و کله زدن و دیگر بحران‌هایی که دولت را به چالش کشیده، از سوی بازیگران همان زمان ایجاد شده‌اند. تفاوت‌های بنیادین دو دوره ساده است: دونالد ترامپ حالا موضع خود را کاملاً مشخص نکرده و به جای آن سیاست خارجی آمریکا را با گمراهی در دست جمهوری خواهان جنگ طلب رها کرده است.

هفته گذشته، روزهای پرتنش بود که به نظر می‌رسید دولت ترامپ در حال هجوم به مسیری بود که برای دولت بوش دو سال زمان برد تا به جنگ عراق کشیده شود. اطلاعات درز کرده از سوی یک افسر متحد بریتانیا تشریح شد که نشان می‌داد ایران در حال انتقال موشک به شکلی تهدید کننده است؛ بعد نیویورک تایمز طرح ارسال ۱۲۰

هزار نیرو به منطقه را الوداد و کمی زمان برد تا ترامپ شخصاً هر دو خبر را تکذیب کند و در صحبت‌هایش به نوعی در تأیید آن‌ها گفت: اگر قرار به فرستادن نیرو باشد، خیلی بیشتر از این‌ها فرستاده می‌شوند.

چند روز بعد روز پنجشنبه (۲۶ اردیبهشت ماه) به گفته منابع آگاه مشخص شد که ترامپ از دست مشاوران جنگ طلبش که به سمت جنگ با ایران می‌روند، به تنگ آمده است. بعد وال استریت ژورنال نوشت که مقامات آمریکایی باور دارند که ایران در حال اقدام دفاعی به واسطه انتقال موشک‌ها بوده است و در واقع از ترس حمله آمریکا این کار را انجام می‌دهد است.

به گفته دو مقام آمریکایی آگاه، اطلاعات جدید نشان می‌دهد که قایق‌های ایرانی که آمریکا مدعی بود موشک حمل می‌کرده‌اند به بنادر بازگشته و موشک‌های خود را تخلیه کرده‌اند. مقامات گفته‌اند که مشخص نیست موشک‌ها با هدف پنهان کردن در انبارها تخلیه شده‌اند یا نشانه‌ای از سوی ایران برای تنش‌زدایی بوده است.

در واقع می‌توان گفت هفته گذشته یک چرخه کامل بود، واشنگتن آنقدر در بررسی اطلاعات و به بحث گذاشتن طرح‌های جنگ کوتاهی کرد که تا مرز یک جنگ تمام عیار پیش رفتیم و در نهایت از کل ایده جنگ عقب‌نشینی کرد و همه این ماجراها در طول فقط یک هفته رخ داد.

تحلیلگران بیش از حد مثبت‌اندیش، شاید از این ماجرا با عنوان تئوری مرد دیوانه نیکسون یاد کنند؛ در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴، آمریکا قصد داشت دشمن در ویتنام شمالی فکر کند که رئیس‌جمهور آمریکا غیر قابل پیش‌بینی و حتی اندکی دیوانه است و با این فرض از خشم وی برتر سند. اگر ایده نیکسون کار می‌کرد، دشمنانش باید بدون اقدامی از سوی نیکسون، منتظر واکنشی نامتناسب و نامرتبیط آمریکا می‌بودند. ترامپ برای اثبات این فرضیه آخر هفته توثیت کرد:

رسانه‌های دروغ‌پرداز با انتشار اخبار جعلی و بسیار نادرست در مورد ایران به کشور ما آسیب می‌زنند. خبرهای آشفته، بدون منبع موثق و خطرناک! حداقل ایران نمی‌داند که به چه چیزی فکر کند.

ترامپ با ویتنام‌هایی دیگر مواجه نیست!

اما این موضوعات کاملاً متمایز هستند و حالا ترامپ با ویتنامی مواجه نیست که مواضعش را القا کند. حالا کم‌کم تصویری از دایره‌اطرافیان ترامپ آشکار می‌شود که دشمنانش رفتارهای متغیر وی را شانس‌ی برای القای برنامه‌های خود می‌یابند و امید دارند وی را به سمت آن بکشند. (ماجراهای مایکل فلین که خواستار تمرکز بر ایران شد و جیم ماتیس که از بمباران کوتاه و متمرکز علیه رژیم سوریه دفاع کرد و گزارش رکس تیلر سون از اعتقادش برای مذاکره بی‌قید و شرط با کره شمالی را به

در موضوع ایران، ونزوئلا و کره شمالی، عجز و درخواست‌های اشخاص تاکنون راه به جایی نبرده و طوفان اقدامات و تهدیدها قطعاً نتیجه خوبی نداشته؛ اگر نگوئیم در کل نتیجه‌ای نداشته‌است

یاد بیارید؛ همه این افراد از دولت جدا شدند و حالا مشخص نیست که سیاست آمریکا چگونه هست یا حتی چگونه بوده است.) این موضوع نه تنها در مورد خاورمیانه بلکه حتی در آمریکای جنوبی هم صدق می‌کند. جان بولتون می‌گفت: همه گزینه‌ها روی میز است. او این جمله را در سال ۲۰۰۳ در مورد ایران به کار برد، اما امسال این جمله به عبارتی مصطلح برای ونزوئلا بدل شده است.

بولتون و پمپئو سکان را در دست گرفته‌اند و ایده‌های دوران بوش را در قالب نئومحافظه کارانی القای کنند که امید دارند جهان بر اساس نظامی که آن‌ها می‌خواهند، سرخم کند؛ بدین صورت که آن‌ها چیزی را پیشنهاد کنند و ببینند که همان اتفاق می‌افتد. اما ایده آن‌ها کار نکرده است؛ آن‌ها به عراق حمله و مدت زیادی آن را اشغال کردند که فقط در نهایت صدام را پیدا کنند و حالا این روش در کاراکاس نیز بی‌جواب مانده است.

آن‌ها پیشنهاد کردند که نیکلاس

مادورو، رئیس‌جمهور ضعیف و آسیب‌دیده از مدیریت اشتباه اقتصاد و فاسد، باید کنار رود و یک فرد دیگر را به عنوان رئیس‌جمهور معرفی و متحدان را وادار به پیروی کردند؛ با این امید که مادورو را در پروازی به سمت کوبا مشاهده کنند؛ این موضوع در ابتدا به مذاق ترامپ خوش آمد، به لحاظ بین‌المللی برای وی یک برد ساده بود و از طرفی می‌توانست آرای فلوریدا را به نفع خود کند؛ اما این ایده بارها با شکست مواجه شد. بر همین اساس وقتی پمپئو صریحاً گزینه حمله آمریکا به ونزوئلا را مطرح کرد، کاخ سفید تلویحاً عنوان کرد که ترامپ از زمه‌های جنگ در ونزوئلا ناخرسند است.

همچنان بازیگران این اشتباهات همان‌ها هستند؛ الیوت آبرامز که به عنوان مشاور امنیت ملی، با مشاوره به بوش او را به سمت جنگ در خاورمیانه سوق داد، حالا ترامپ را به سمت چنین هدفی هدایت می‌کند. در سال ۲۰۰۲، یک مقام دولت به نیویورک تایمز گفت وقتی موضوع به آبرامز برمی‌گردد، هر موضوع بحث برانگیزی در گذشته، مربوط به گذشته است؛ در آن زمان آن‌ها به نقش وی در سیاست بوش در خاورمیانه اشاره نداشتند، بلکه اعتقاد آبرامز در مورد روابط ضد ایرانی را مطرح می‌کردند.

ونزوئلا سومین دور حضور آبرامز در دولت است. در سال ۲۰۰۳ زمانی که مقامات سابقه درخشانی از وی در مجله نیویورکر منتشر کردند، فردی عنوان کرد که افراد با سابقه آکادمیک در کنار آبرامز همه چیز را اسبیاه و سفید می‌بینند و وقتی به دولت ملحق می‌شوند، تازه می‌فهمند که موضوعات پیچیده‌تر است. حالا با بازگشت آبرامز از دنیای آکادمیک به دولت، شرایط حتی پیچیده‌تر شده است.

در اوایل ماه مارس، آبرامز به سناتورها گفت که مادورو پشتش به دیوار خورده و با محاصره وی از همه جهات، می‌توان مردم را علیه وی مشاهده کرد؛ کسانی که منتظر لحظه درست برای نشان دادن در خروج به مادورو هستند؛ اما پس از آنکه کودتای نظامی آن‌ها با شکست مواجه شد، او با دل‌سردی در ۳۰ آوریل عنوان کرد که در شرایط کنونی به نظر نمی‌رسد مردم جلو بایند.

تهدیدات نتیجه خوبی نداشته‌است

همواره هدف برای آمریکا بسیار

بولتون و پمپئو سکان را در دست گرفته‌اند و ایده‌های دوران بوش را در قالب نئومحافظه کارانی القای کنند که امید دارند جهان بر اساس نظامی که آن‌ها می‌خواهند، سرخم کنند؛ بدین صورت که آن‌ها چیزی را پیشنهاد کنند و ببینند که همان اتفاق می‌افتد

دور بوده است، با این حال لفاظی‌ها آنقدر شدید است که امید تندروها برای رسیدن به هدف را تقویت می‌کند؛ فقط رئیس‌جمهور به آن‌ها جامه عمل نمی‌پوشاند. در موضوع ایران، ونزوئلا و کره شمالی، عجز و درخواست‌های اشخاص تاکنون راه به جایی نبرده و طوفان اقدامات و تهدیدها قطعاً نتیجه خوبی نداشته؛ اگر نگوئیم در کل نتیجه‌ای نداشته است.

همان‌دار و دسته نئومحافظه کاران شاید احساس کرده‌اند که فرصتی در خشان برای عملی کردن اهداف چند دهه‌ای خود با اعمال سیاست خارجه بر رئیس‌جمهوری دارند که چنین اهدافی در سر ندارد. آن‌ها به جلو پیش می‌روند و در هفته‌ای همچون هفته گذشته شما احساس می‌کنید که باز در سال ۲۰۰۲ هستید و تاریخ خیلی با لودگی تکرار می‌شود. اما ناگهان حقیقت طبیعت ریاست‌جمهوری ترامپ آشکار می‌شود و این حقیقت انزواجویی و پایان دادن به جنگ در مناطقی است که رأی‌دهندگان به این رئیس‌جمهور اصلاً نمی‌فهمند این جنگ‌ها برای چه چیز صورت گرفته‌اند. اما این همه‌های توخالی عواقبی را برای آمریکا دارد. این اتفاقات تصویری خسته و ورشکسته از آمریکا ایجاد می‌کند که ترجیح می‌دهد دیگران در صف اول بایستند.

ترامپ می‌خواهد که از آمریکا غولی بسازد، اما الزاماً این مسیر را نمی‌رود. ریسک نظم خسته کنونی جهان این است که مخالفان ایالات متحده این آشفنگی را، که احتمالاً صحت دارد، ضعیفی پایدار ببینند و برای پر کردن این خلا اقدام کنند؛ بی‌توجه به لفاظی‌های آمریکا که در طول زمان بارها ثابت شده توخالی هستند.



با وجود تلاش‌های صورت گرفته توسط این افراد، رسانه‌های آمریکایی گزارش داده‌اند که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا از بیم تبعات ویرانگر درگیری با ایران و همچنین نگرانی از شکست در انتخابات سال ۲۰۲۰، تأکید کرده که خواهان تقابل نظامی با جمهوری اسلامی ایران نیست.

تیم ب می‌خواند، به دنبال ایجاد یک حادثه با هدف تنش‌آفرینی و ایجاد تقابل با ایران هستند. ظریف جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، محمد بن سلمان ولی‌عهد سعودی و محمد بن زاید ولی‌عهد ابوظبی را تیم ب می‌خواند.